

# هلمشهری



تصویر سارق هلمشهری با تیرام فرود

گفت‌وگو با سارقی که می‌گوید به خاطر شکست‌های زندگی‌اش چندبار تصمیم به خودکشی گرفته اما هر بار نجات یافته است

# بدشانسی‌های عجیب‌دزد خوش‌شانس

ببینم چه می‌شود اما به جای مرگ، توهم به

سراغم آمد! توهم عجیبی بود! انگار شخص دیگری درونم زندگی می‌کرد. از خانه زدم بیرون، سسوار ماشین ۲۰۶ خود شدم و به دوستم شهرام زنگ

زدم. البته شهرام هم رفیق نبود و به من رکب زد. گفتیم بیا برویم یک دوری در خیابان یزینیم چون من حالم خوب نیست، شهرام رسید و به او گفتم که قرص خورده‌ام اما او می‌خندید و می‌گفت حالت که خوب است و شنگولی‌! در بین راه مردی دست‌تکان داد و من توقف کردم. من گاهی وقت‌ها با ماشین مسافر کشی می‌کنم و شهرام

تصور کردم می‌خواهم مسافر کشی کنم. حوالی یاجوجی‌آباد بود که مسافر جوان سوار ماشین شد تا او را به صالح‌آباد برسانم. نمی‌دانم چه شد که قمه‌ای از داشنبورد ماشینم برداشتم و به سمت مسافر جوان نشانه گرفتم. می‌خواستم اموالش را سرقت کنم اما باور نکنید در آن لحظه خودم نبودم و همه چیز تحت‌تأثیر توهم بود. به‌خاطر قرص‌های زیادی که خورده بودم توهم به سراغم آمده بود.

**بعد چه اتفاقی افتاد، دوست‌مانع سرقت نشد؟**

شهرام خیلی تعجب کرده بود. می‌گفت چه کار می‌کنی؟ اما من توجهی نکردم و به کار ادامه دادم. می‌خواستم از ماشین‌های سواری که در

اموالش را بدزدم اما خیلی مقاومت می‌کرد. قوی‌هیکل هم بود و می‌خواستند در را باز و فرار کنند. در نهایت هم موفق شد، قفل در را باز کرد و خودش را به بیرون از ماشین انداخت.

**اتفاقی برایش نیفتاد؟**

از ناحیه دست و پا آسیب دیده، دندان‌هایش هم دچار شکستگی شد. حال اما باور نکنید خودش بود که از ماشین در حال حرکت به بیرون پرید و

خودش باعث شد آسیب ببیند.

**اگر ایسن کار را نمی‌کرد که معلوم نبود چه بلایی برسرش می‌آمد، با شرایطی که خودت تعریف می‌کنی و قمه‌ای که داشتی ممکن بود جانش را بگیرد.**

نه. من نقشه قتل نداشتم. می‌خواستم اموالش را

سرقت و بعد رهایش کنم.

**پس انگیزه‌ات سرقت بود؟**

نیاز به پول نداشتم. گفتم که تحت‌تأثیر توهم داروها بودم.

**اگر نمی‌خواستی سرقت کنی، پس**

**قمه در ماشینت چه کار می‌کرد؟**

همینطوری داخل ماشینم بود. چون مسافر کشی می‌کردم قمه را گذاشته بودم که اگر گرفتار روزگiran شدم از خودم دفاع کنم.

**از فرد دیگری هم بسا این روش سرقت کرده‌ای؟**

نه. نخستین بارم بود و پس از آن هم دستگیر شدم. می‌بینید چقدر بدشانسم، در همه زندگی‌ام بدشانسی آورده‌ام. نه در عشق‌شانس داشتم، نه در زندگی و نه در کار. قبل از اینکه مسافر کشی کنم، شغل‌های زیادی را امتحان کرده‌ام اما در هیچ کدامشان موفق نبودم. زود کارم را از دست می‌دادم و دوباره روز از نو و روزی از نو. آنقدر بدشانسم که حتی در سرقت هم نتوانستم موفق شوم. من هیچ سابقه کیفری‌ای ندارم. پرونده‌ام را نگاه کنید. نخستین بارم که دزدی می‌کردم. انگار قرار نیست در کاری موفق باشم.

**همه‌اش می‌گویی بدشانسی، اما به‌نظرت این خوش‌شانسی نیست که در همان نخستین خلاف دستگیر شدی که در**

**ادامه‌اش ندهی، به این فکر نمی‌کنی که اگر سرسرت‌هایت ادامه پیدا می‌کرد، با اگر آن مسافر را به قتل می‌رساندی، پرونده‌ات سنگین‌تر می‌شد؟**

اینهایی که می‌گویید درست است اما به دلم مانده یک‌بار زندگی روی خوشش را به من نشان دهد.

**گفتی قصد خودکشی داشتی که موفق نشدی. چندبار این کار را کرده‌ای؟**

پیش از این بار که دستگیر شدم، ۲ مرتبه دست به خودکشی زده بودم اما هر بار زنده ماندم. به‌نظرم مرگ از من بیزار است و نمی‌خواهد مرا بگذرد. در صورتی که هیچ انگیزه‌ای برای ادامه دادن به این زندگی ندارم.

**چرا چنین احساسی داری؟**

گفتم که همیشه در زندگی‌ام شکست خورده‌ام. چند سال قبل پدرم فوت شد. من عاشقش بودم. پدرم زحمتشکش بود و همیشه هوایم را داشت و مثل کوه پشت من بود. یک شب کنارش خوابیدم و صبح هر چه صداایش زدم بیدار نشد. هیچ مشکلی نداشتم، پزشکان گفتند در خواب سکنه کرده‌است. مرگ ناگهانی پدرم نبودم کرد و دیگر زندگی بر ایمن جذابیتی نداشت. بار اولی که تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان بدهم آن موقع بود. مدتی در زمینه خودکشی جست‌وجو کردم. در سایت‌ها و شبکه‌های مجازی، یک‌بار می‌خواستم سلاح تهیه کنم و با شلیک به کسب‌وکارم را بگیرم اما ترسیدم. بار دیگری می‌خواستم جانم را بزنم اما باز هم ترسیدم. در نهایت به‌نظرم آسان‌ترین راه، مصرف قرص بود. قرص خریدم، در آب حل کردم و لیوان را سر کشیدم اما وقتی چشم‌باز کردم در بیمارستان بودم. بعد فهمیدم خانواده‌ام که قرار بود تا روز بعد به خانه برنگردند به‌خاطر کاری که برایشان پیش آمده بود، به خانه برگشته و با دیدن من، فوراً مرا

خبر کرده و نتاجم داده بودند. ظاهراً خواهرم آن شب از رفتن به خانه اقوام‌مان ششیمان شده و به خانه برگشته بود تا درس بخواند و به همین دلیل فرشته نجات من شد.

**بار دوم چه شد که از مرگ نجات یافتی؟**

بار دوم دوستانم نتاجم دادند. یک کاری را شروع کرده بودم و فکر می‌کردم بالاخره می‌توانم موفق شوم اما شکست خوردم. بعد از آن تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان بدهم. باز هم قرص خوردم اما دوستانم همان شب سرزده به دیدنم آمدند و بار دوم آنها فرشته نجاتم شدند و مرا به زندگی برگرداندند.

**خب به‌نظرت همه‌ا اینها خوش‌شانسی نیست؟ آدمی را دیده‌ای که**

**اینقدر خوش‌شانس باشد و هر بار به شکلی عجیب از مرگ نجات پیدا کند؟**

نمی‌دانم چه بگویم.

# سارق



**سرنوشت اسرارآمیز صاحب یک فست‌فود**

۳ماه پس از ناپدیدشدن سبزی‌خوار که صاحب یک مغازه فست‌فود در پایتخت است، پیداشدن گواهی او به این پرونده زنگ و بویی جتایی‌داد.

به گزارش همشهری، مهرماه امسال بسا ناپدیدشدن صاحب یک مغازه فست‌فودی در حوالی سه راه آذری، تحقیقات پلیس پایتخت برای یافتن ردی از او آغاز شد. مدت‌ها از این مرد سرنخی نبود تا اینکه تلفن همراه جوان گمشده فعال و فردی که گواهی در اختیار او بود دستگیر شد. او مرد معتاد و سابقه داری بود که پیش از این به جرم سرقت لوازم خودرو و حمل مواد مخدر دستگیر شده بود. مرد دستگیرشده در بازجویی‌ها ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: چند وقت قبل برای انجام کاری به حاشیه‌های رفته بودم که در پایان‌های آنجا با جسد خونین مردی مواجه شدم. جسد متعلق به مردی جوان بود که تلفن همراهی هم کنارش افتاده بود. وسوسه شدم گواهی مرد مرده را سرقت کنم و آن را بفروشم. من در سرقت نقش دارم اما قاتل نیستم و اطلاعی درباره مرگ مرد جوان ندارم.

این متهم به دستور قاضی محمد مهدی براهه باز پرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است و تحقیقات از او برای حل معما سرنوشت مرد گم‌شده ادامه دارد. از سوی دیگر مأموران دی‌وی‌وی به دستور باز پرس به محلی که متهم ادعا کرده جسد را مشاهده بوده، اعزام شدند تا ببینند آیا جسدی با مشخصات مرد گمشده در بیابان کشف شده یا نه.

### داخلی

### بخشش

## پایان خوش برای سارقی که قاتل شد

اولیای دم مقتول بدون دریافت دیه، قاتل مادرشان را بخشیدند



جوانی که برای سرقت وارد خانه زنی سالخورده شده بود سرنوشت عجیب و غریبی پیدا کرد و بعد از گذشت سال از این جنایت در شرایطی که به پرداخت دیه محکوم شده بود با بخشش از سوی اولیای دم از زندان آزاد شد.

به گزارش همشهری، اواسط آذرماه سال ۹۷ به پلیس بندرعباس خبر رسید که زنی سالخورده در خانه‌اش به قتل رسیده‌است. زمانی که مأموران راهی محل جنایت شدند در آنجا پیکری بی‌جان زنی ۶۰ساله را دیدند که آثار کیبودی روی گلویش به چشم می‌خورد و از سوی دیگر آثار اصابت جسم سخت بر بدنش مشخص بود و شواهد حاکی از این بود که چند ساعت از قتلش می‌گذرد. در این شرایط به دستور باز پرس جنایی جسد به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای رازگشایی از جنایت آغاز شد. تحقیقات درباره زندگی خصوصی مقتول نشان می‌داد که او به تنهایی با شوهرش زندگی می‌کرد و هنگام وقوع حادثه در خانه تنها بوده‌است. همچنین بررسی صحنه جنایت حاکی از این بود که قاتل به‌احتمال زیاد با انگیزه سرقت دست به این جنایت زده‌است؛ چرا که مقداری از زیورآلات مقتول سرقت شده بسود. همچنین در ادامه معلوم شد که عامل جنایت بدون هیچ زور و اجباری وارد خانه شده و این موضوع نشان می‌داد که او از قبل با مقتول آشنایی داشته‌است. برای افسران پلیس مسجل شده بود که انگیزه قاتل سرقت‌است. با ادامه تحقیقات میدانی یکی از همسایه‌های مقتول گفت روز حادثه پسر جوانی را هنگام ورود به خانه مقتول دیده‌است. انطور که او می‌گفت مقتول در را برای او باز کرده بسود و آنها به ظاهر یکدیگر را می‌شناختند. این شاهد مشخصات ظاهری این جوان را در اختیار مأموران قرار داد و با این سرنخ جست‌وجو‌های شناسایی قاتل آغاز شد.

#### قتل با انگیزه سرقت

چند روز از آغاز بررسی‌های پلیسی می‌گذشت که کارآگاهان به اطلاعاتی درباره عامل جنایت دست پیدا کردند. او جوانی معتاد بود که در همان منطقه زندگی می‌کرد و شواهد به‌دست آمده نشان می‌داد که او در این جنایت دست دارد. به این ترتیب تنها مظنون پرونده دستگیر شد. او در همان مراحل مقدماتی بازجویی به قتل زنی سالخورده اعتراف کرد و گفت با انگیزه سرقت جواهراتش او را به قتل رسانده‌است. متهم در اعترافش گفت: مدتی بود که به مأمور مخدر اعتیاد پیدا کرده بودم و با بالا رفتن مصرفم، توانایی تامین هزینه موادمخدرم را نداشتم. از طرفی مقتول را از قبل می‌شناختم و می‌دانستم چند النگو و انگشتر طلا دارم. به همین دلیل نقشه سرقت از او را کشیدم.

او ادامه داد: روز حادثه در خانه را زدم و وقتی در را باز کرد خوب اطرافم را نگاه کردم و وقتی مطمئن شدم هیچ کس آنجا نیست و در داخل خانه هل دادم و جلوی دهانم را هم گرفتم تا سروسز نکنم در ادامه او را داخل خانه کشاندم و می‌خواستم پس از سرقت طلاهایش فرار کنم اما چون مقاومت کرد با چوب چند ضربه به او زدم و بعد از سرقت چند النگو و انگشتر طلا از آنجا فرار کردم.

#### در دادگاه

با رازگشایی از این جنایت، متهم صحنه قتل را بازسازی کرد و در نهایت پرونده به صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان هرمزگان فرستاده شد. در جریان رسیدگی به این پرونده معلوم شد که مقتول ولی دم ندارد و طبق قانون شوهرش نیز نمی‌تواند برای قاتل درخواست قصاص کند و در صورتی که او به دیه محکوم شود از دیه بپرممندی می‌شود. در این شرایط دادستان به‌عنوان ولی دم خواست‌اش را مطرح و درخواست دریافت دیه کرد. در این شرایط یک مستون در آنجا نصب شد. به همین دلیل کارگر ۳۲ساله که افغانستانی بود، مشغول حرف چاه بود و در عمق ۸متری قرار داشت که به‌دلیل سست‌بودن خاک، ناگهان دیواره چاه تخریب شد.

ملکی در ادامه گفت: کارگر کاملاًزیر آوار محبوس‌مانده بود و آتش‌نشنان اقدامات خود بسرای خارج کردن این کارگر از زیر آوار را آغاز کردند. اما جنس نرم و سست خاک سبب پیچیدگی عملیات شده بود؛ طوری که چندین‌بار دیواره‌های چاه ریزش کرد. با وجود این، آتش‌نشنان با استفاده از بیل مکانیکی اقدام به خابگرداری اطراف چاه کردند و سرانجام موفق شدند پیکر این کارگرا از زیر آوار خارج کنند که عوامل اورژانس با بررسی عمیق حیاتی، مرگ این کارگرا را تأیید کردند و پیکر او به پزشکی قانونی منتقل شد و این عملیات بعد از حدود ۷ساعت به پایان رسید.

### گزارش الهه فراهانی روزنامه‌نگار

زندگی یاسر از چند سال قبل دستخوش تغییرات شد؛ یک شب به‌صورت ناگهانی پدرش را از دست داد؛ پدری که عاشقش بود و مرگ او موجب شد تا یاسر به‌شدت افسرده شود. مدتی بعد و برای سر و سامان دادن به زندگی‌اش تصمیم به ازدواج با دختری گرفت که دلباخته‌اش شده بود اما او هم یک شب یاسر را ترک کرد تا با خواستگار پولدارش ازدواج کند. این اتفاق یک‌بار دیگر زندگی جوان ۲۱ساله را بن‌بست کشاند و به‌گفته خودش چنان دچار افسردگی شد که تصمیم گرفت به زندگی‌اش پایان بدهد اما هر بار که می‌خواست تصمیمش را عملی کند خانواده یا دوستانش می‌رسیدند و او به زندگی برمی‌گشت. پسر جوان می‌گوید که همه این اتفاقات باعث شده که در نهایت یاد در دنیای مجرمان بگذارد اما درست پس از نخستین سرقت دستگیر شده و حالا در گفت‌وگو با همشهری از زندگی‌اش می‌گوید و جزئیات پرونده‌اش.

**خودت را معرفی کن؟**

یاسر هستم و ۲۱سال سن دارم.

**به‌چه جرمی دستگیر شده‌ای؟**

به جرم خفت‌گیری و آدم‌ربایی اما در آن لحظات خودم نبودم. انگار فرد دیگری درونم زندگی می‌کرد. انگار در این دنیا نبودم و روحم از تنم جدا شده بود. باور نکند راست می‌گویم تعجب نکنید

من دیوانه نیستم.

**از جزئیات پرونده‌ات بگو.**

آن روز تعداد زیادی قرص خورده بودم. من قبل از آن هم چندبار قرص خورده بودم که به زندگی‌ام پایان بدهم اما هر بار یکی رسید و نتاجم داد. آن روز هم قرص خورده بودم، چون از زندگی خسته شده بودم، با خودم گفتم قرص‌ها را می‌خورم

**آن سوی مرز**

پسر ۱۴ساله کالیفرنیا به اتهام قتل والدینش و زخمی کردن خواهرش دستگیر شد. به گزارش همشهری -بسه نقل از سی‌ان‌ان، پلیس کالیفرنیا شب ۲۷دسامبر ۲۰۲۳،از طریق تماس تلفنی در جریان یک قتل خانوادگی قرار گرفت. در این تماس پسر جوانی ادعا کرد که یک فرد غریبه به خانه آنها در منطقه میرامونته در شهرستان فرسنو کالیفرنیا وارد شده و قبل از فرار با یک و والدین و خواهرش حمله کرده‌است. پلیس بلافاصله به محل جنایت رفت و تحقیقات را آغاز کرد. اما آنچه پلیس می‌دید با گزارش‌ها به آنها داده شده

بود کاملاًفراق داشت. پلیس در بررسی‌هایش اجساد پدر و مادر پسر نوجوان را در حالی پیدا کرد که هر دو هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده بودند و اجسادشان به فاصله کمی از هم در اتاق نشیمن افتاده بود. جسد نیمه‌جان خواهر ۱۱ساله این پسر نیز که به واسطه شلیک گلوله، جراحات شدیدی به او وارد شده بود، در گوشه دیگر خانه پیدا شد. اورژانس دختر را بلافاصله به بیمارستان محلی منتقل کرد و در آنجا تحت مداوا قرار گرفت. پسر دیگر خانواده که ۷ساله‌است و در گوشه‌ای در یکی از اتاق‌ها مخفی شده بود در این حمله آسیب ندیده بود. در تحقیقات بعدی مشخص شد که در این جنایت از چند سلاح مختلف

## جنایت هولناک نوجوان ۱۴ساله

استفاده شده‌است. پلیس وقتی متوجه نااهنگی و ضدتفقیض‌هایی در داستان پسر نوجوان خانواده شد، او را دستگیر و به اداره پلیس منتقل کرد. به‌گفته جان زائونی، کلانتر شهرستان فرسنو، این نوجوان که هویتش به‌دلیل سنش فاش نخواهد شد، با دو اتهام قتل و یک اتهام تلاش برای قتل برای حمله مرگبار مواجه‌است. خواهر او در بیمارستان است و انتظار می‌رود زنده بماند اما هنوز قادر به صحبت و فاش کردن هویت قاتل نیست. براساس این گزارش، نوجوان ۱۴ساله در حال حاضر در یک مرکز نگهداری نوجوانان نگهداری می‌شود اما هنوز انگیزه او از تیراندازی به خانواده‌اش مشخص نشده‌است.

